



دانشگاه گلستان، دانشکده کشاورزی

نشریه کارآفرینی در کشاورزی
جلد اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۳
<http://jead.gau.ac.ir>

بررسی نقش کارآفرینی کشاورزی در توسعه روستایی

* پیمان کلاگر^۱ و مریم آقائی^۲

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان،

^۲ کارشناس اداره کل فنی و حرفه‌ای استان گلستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۲

چکیده

روستاها به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی در هر جامعه‌ای، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بی‌شک تلاش برای کاهش مسائل و مشکلات این واحدهای اجتماعی و استقرار مناسب آن‌ها در چرخه توسعه، مستلزم توجه‌ای ویژه است. امروزه توجه به روحیه کارآفرینی بین روستاییان و از جمله کشاورزان از مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه روستایی محسوب می‌شود. اگرچه کارآفرینی تنها راه‌کار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست، اما قطعاً بهترین و بهره‌ورترین نوع آن است. در این میان کارآفرینی کشاورزی می‌تواند صرف‌نظر از این‌که یک منبع درآمد و اشتغال برای ساکنین روستا باشد در توسعه اقتصادی روستا و در نهایت توسعه روستایی مؤثر باشد. این پژوهش که از نوع توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای است، به بررسی نقش کارآفرینی کشاورزی در توسعه روستایی می‌پردازد. تبیین و توصیف این مطالعه کیفی نشان می‌دهد که متنوع‌سازی اقتصاد روستایی تنها با القا از بیرون محقق نمی‌شود، مگر این‌که کارآفرینان محیط‌های روستایی، خود فرصت‌ها و منابع بالقوه و بالفعل را بشناسند و با استفاده بهینه از آن‌ها تنوع اشتغال و اقتصاد را برای محیط‌های روستایی به ارمغان بیاورند؛ به همین جهت ایجاد مزیت‌های جدید اقتصادی، افزایش رفاه انسانی، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها و برقراری سازگاری بین فعالیت و فضای زندگی در نواحی روستایی از

*مسئول مکاتبه: peymankr@yahoo.com

اهداف راهبردی توسعه روستایی است که می‌تواند از طریق کارآفرینی روستایی و کشاورزی دست یافتنی گردد.

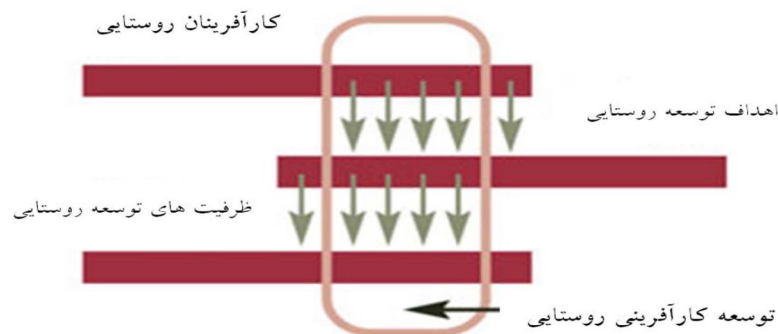
واژه‌های کلیدی: کارآفرینی کشاورزی، کارآفرینی روستایی، توسعه روستایی، توسعه کشاورزی

مقدمه

مطابق آمار منتشر شده از طرف سازمان ملل تقریباً ۶۲ درصد از جمعیت کل دنیا را روستاییان تشکیل می‌دهند که در آسیا و آفریقا این نسبت گاهی به ۷۶ درصد می‌رسد (پوررجب، ۱۳۸۹). روستاها به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی در هر جامعه‌ای، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بی‌شک تلاش برای کاهش مسائل و مشکلات این واحدهای اجتماعی و استقرار مناسب آن‌ها در چرخه توسعه، مستلزم توجه‌ای ویژه است (عنبری، ۱۳۸۷). همچنین روستاها به‌علت داشتن منابع طبیعی و انسانی بی‌شمار می‌توانند زمینه‌ساز ظهور بسیاری از حرفه‌های نو و کارآفرینانه گردند (Chrisman, et al., 2003). نگاهی گذرا به برنامه‌های توسعه کشور از سال ۱۳۲۷ خورشیدی تاکنون نشان می‌دهد که برنامه‌ریزان همواره یکی از راه‌های دستیابی به اهداف توسعه روستایی و به‌ویژه توسعه کشاورزی را مقوله کارآفرینی و خوداشتغالی دانسته‌اند (دانایی‌فر و همکاران، ۱۳۸۹). تجربیات توسعه روستایی در کشورهای مختلف جهان در چند دهه گذشته نشان می‌دهد که این مهم فقط با تزریق سرمایه و فناوری تحقق نمی‌یابد، بلکه عوامل بسیاری در این زمینه نقش دارند. امروزه توجه به روحیه کارآفرینی بین روستاییان و از جمله کشاورزان از مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه روستایی محسوب می‌شود (حسینی و سلیمان‌پور، ۱۳۸۵). کارآفرینی به‌عنوان یک مدل توسعه اقتصادی می‌تواند در جوامع روستایی به‌وسیله افزایش شغل و درآمد، ایجاد ثروت و بهبود کیفیت زندگی و جلوگیری از مهاجرت آن‌ها مؤثر باشد. همچنین کارآفرینی به‌عنوان یک رهیافت جوانان و خانواده‌های جوان را به مناطق روستایی جذب کرده و سبب توسعه روستایی و به تبع آن پایداری روستا گردد (Rural Development, 2007).

اگرچه کارآفرینی خصوصی تنها راه‌کار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست، اما قطعاً بهترین و بهره‌ورترین نوع آن است. اقتصاددانان این امر را مهم‌ترین عامل توسعه اقتصادی روستاها دانسته و سیاست‌مداران آن‌را یک راهبرد کلیدی برای جلوگیری از اغتشاشات و ناآرامی‌ها در روستاها می‌دانند. هم‌چنین کشاورزان و روستاییان آن‌را ابزاری برای بهبود درآمد خویش و زنان آن‌را

امکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت خود که می‌تواند خودکفایی، استقلال و کاستن از نیازهای اجتماعی آنان را در پی داشته باشد، می‌داند (Laukkanen, 2003). برحسب منابع و فرصت‌های موجود در محیط‌های روستایی (بالقوه و بالفعل و نیز نرم‌افزاری و سخت‌افزاری)، این محیط‌ها اهداف توسعه و به‌ویژه توسعه اقتصادی در این جوامع را هدایت می‌کنند. در راستای این فرآیندها و با در نظر گرفتن این دو محیط، پیوندی سازمان یافته میان اهداف توسعه روستایی و توسعه کارآفرینی در این مناطق برقرار شده است تا از ترکیب مناسب این عوامل، رفتارهای کارآفرینی روستایی در راستای توسعه اقتصادی شکل گیرد (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹).



شکل ۱- پیوند توسعه کارآفرینی با توسعه روستایی.

به هر حال کارآفرینی روستایی در پی یافتن ترکیبی مناسب از منابع برای فعالیت‌های اقتصادی اعم از کشاورزی و غیرکشاورزی برای دستیابی به بیش‌ترین سود ممکن است. کارآفرینی روستایی اساساً تفاوتی با کارآفرینی در شهر ندارد جز این‌که باید آن را در فضای روستا تصور کرد (پترین، ۱۳۸۱). زمینه‌های استفاده از کارآفرینی در نواحی روستایی بسیار گسترده و متنوع است. در واقع این نواحی، محیط بکری برای بروز کارآفرینی محسوب می‌شوند (رضوانی، نجارزاده، ۱۳۸۷). در این میان به دلیل این‌که کشاورزی از بخش‌های اساسی اقتصاد کشور است؛ رشد و توسعه آن، مبنای راهیابی سرمایه‌گذاری، اشتغال و خدمات به سمت مناطق روستایی و کاهش بیکاری و اشتغال‌زایی این بخش می‌شود و زمینه‌ساز رشد و توسعه سایر بخش‌ها از جمله صنعت، خدمات، حمل و نقل و انرژی می‌گردد (شکویی، ۱۳۸۴). فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی از جمله زراعت، باغداری، پرورش

انواع دام و طیور، زنبور عسل و فعالیت‌های جنگلداری، آبخیزداری، حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست؛ مهم‌ترین زمینه‌های بروز کارآفرینی در نواحی روستایی است (رضوانی، نجارزاده، ۱۳۸۷). کارآفرینی روستایی و به‌ویژه کشاورزی می‌تواند با شناسایی مزیت‌ها و محدودیت‌های بخش کشاورزی جوامع روستایی توسط برنامه‌ریزی راهبردی مناسب به توسعه اقتصادی روستایی در کنار سایر ابعاد توسعه کمک کند و از دولت محور بودن الگوهای توسعه روستایی کشور که ویژگی‌های عمده آن آسوده طلبی و مطیع بودن روستاییان است - جلوگیری کند و جامعه را به سوی خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی حرکت دهد (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۰).

یافته‌های علمی نشان می‌دهد با گسترش و توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی، زمینه بهره‌مندی روستاییان از کالاها و خدمات رو به فزونی می‌گذارد و در نهایت، رشد اقتصادی و متعاقب آن توسعه روستایی محقق می‌شود (Bantel and Jackson, 2000). سینگ و کریشنا^۱ (۱۹۹۴) در مطالعه خود در کشور هند به این نتیجه رسیدند که آشنایی با مهارت‌های فنی و مدیریتی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر توسعه کارآفرینی کشاورزی و یکی از وظایف اصلی کارآفرینان در جامعه انتقال فناوری است، بنابراین، کارآفرینان بخش کشاورزی می‌توانند کشاورزی سنتی و فردی را به کشاورزی تجاری تبدیل کنند و زمینه‌های توسعه اقتصادی کشور را فراهم سازند؛ زیرا به‌نظر کشاورزان، بدون آشنایی و کمک گرفتن از فناوری و شیوه‌های جدید کشاورزی نمی‌توان به موفقیت دست یافت. مولن هویز^۲ (۱۹۹۶) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که برای برقراری پیوند منطقی میان بخش کشاورزی و توسعه اقتصادی ملی نیاز به کمک افرادی است که با خصوصیات خاص خود مشارکت و شبکه ارتباطی بین این دو را برقرار کنند، که از آن‌ها به‌عنوان کارآفرین کشاورزی یاد می‌شود. ادلی و دیگران مخاطره‌پذیری، نیاز به توفیق، وجود مرکز کنترل و ... را از عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی کشاورزی میشیگان قلمداد می‌کنند و بر این باورند که این ایالت از طریق اقتصاد قوی‌تر شده، فرصت‌های شغلی زیادی برای افراد فراهم می‌کند و در نتیجه، کاربری اراضی متنوع‌تر و کیفیت زندگی افراد بخش کشاورزی بهتر می‌شود (Adelaja, 2007).

1- Singh and Krishna

2- Molenhuis

بنابراین، در راستای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی و افزایش زمینه فعالیت‌های مشارکتی در نواحی روستایی، ضرورت دارد عوامل و دلایل تأثیرگذار بر موفقیت افراد روستایی و زمینه‌های افزایش کارآفرینی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان در نواحی روستایی بررسی شود. که این پژوهش به بررسی نقش کارآفرینی کشاورزی در توسعه روستایی می‌پردازد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی و کیفی می‌باشد و از مطالعات کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی در حیطه‌های توسعه روستایی، توسعه کشاورزی، کارآفرینی، کارآفرینی کشاورزی و کارآفرینی روستایی استفاده شده است.

مبانی نظری

یکی از راه‌های تجربه شده در جهان، در بازنگری سیاست‌ها، توجه به کارآفرینی است که از آن در متون توسعه به‌عنوان بازساماندهی^۱ و باز آرایش^۲ ساختار اقتصاد روستایی نام می‌برند؛ به این معنی که ساختار و کارکرد روستاها، به‌ویژه در شرایط امروزی، فراهم کننده و زمینه‌ساز مزیت‌ها برای کسب و کارهای کوچک و کارآفرین است. با چنین نگرشی به روستاها و رسالت آن در شرایط امروز و فردای کشور، نه تنها زمینه‌های توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و قابلیت‌سازی افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع روستایی، که از مفاهیم کلیدی و راهبردی توسعه پایدار ملی و توسعه پایدار روستایی هستند، فراهم می‌شود، بلکه شیوه مدیریت کار و زندگی در روستا به‌دست ساکنان آن نیز تقویت می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی‌قیداری، ۱۳۸۹).

توسعه روستایی اصولاً به معنای تغییر شکل اساسی در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روابط انسانی در روستاهاست که به تدریج شرایط زندگی مردم روستا را بهبود بخشیده و عامه مردم روستا از مواهب آن بهره‌مند می‌شوند. برنامه‌های توسعه روستایی باید به مواردی همچون ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی، توسعه اجتماعی، کاهش مهاجرت به شهرها، افزایش سطح رفاه و آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر توجه داشته باشد. البته پایداری برنامه‌های توسعه روستایی

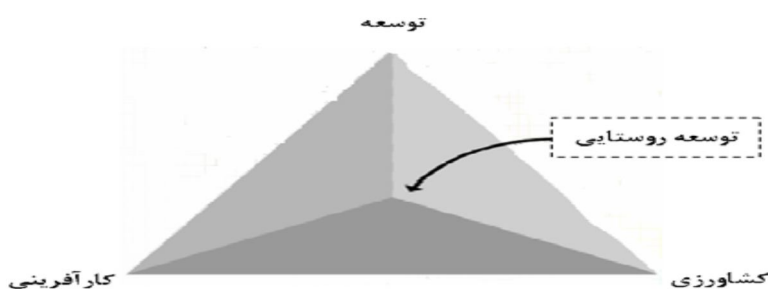
1- Reorganizing

2- Rearrangement

زمانی است که خود مردم روستا با اتکا به خود، آن را اجرا نمایند (بهرامی، ۱۳۸۳). امروزه توسعه روستاها در مقایسه با گذشته پیوند گسترده‌تری با مفهوم کارآفرینی یافته است. در حال حاضر مؤسسات و اشخاص صاحب‌نظر در توسعه روستایی، ایجاد کارآفرینی را به‌عنوان شیوه‌ای مداخله جویانه در توسعه می‌دانند که قادر است روند توسعه روستاها را تسریع کند (پوررجب، ۱۳۸۹). کارآفرینی در نواحی روستایی در جستجوی ترکیب واحدی از منابع موجود هم در درون و هم بیرون از فعالیت‌های کشاورزی است و در پی خلق فرصت‌های جدید جهت ایجاد کسب و کار و درآمدزایی خواهد بود. کارآفرینی روستایی تنها به معنای ایجاد اشتغال برای قشر عظیم روستاییان نیست، بلکه گامی در راستای توسعه روستایی که به گفته بسیاری از صاحب‌نظران، هم‌تراز با توسعه اقتصادی است، می‌باشد (Kader, 2007). اقتصاددانان معتقدند که کارآفرینی سه نتیجه مفید برای جوامع دارد:

- ۱- اشتغال مفید، پایدار و مولد؛
- ۲- نوآوری‌های تأثیرگذار در عرصه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی؛
- ۳- ثروت و رفاه.

در این میان، کشاورزی از بخش‌های پایه و اساسی اقتصاد روستا و کشور و زمینه‌ساز رشد و توسعه آن است. رشد و توسعه بخش کشاورزی زمینه‌های لازم برای رشد و توسعه دیگر بخش‌ها را فراهم می‌سازد و بدون آن، عوامل و نهاده‌های لازم برای فعالیت سایر بخش‌های اقتصادی فراهم نمی‌شود (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹). در اغلب مناطق روستایی جهان شغل اصلی روستائیان کشاورزی است. در مناطق روستایی، مشاغل غیرکشاورزی هم یافت می‌شوند، اما آن‌ها از لحاظ اقتصادی در درجه دوم اهمیت قرار دارند، حتی در برخی نقاط، کشاورزی جنبه کار و کسب و نوعی صنعت را پیدا کرده است (گل محمدی، ۱۳۸۳).



شکل ۲- پیوند توسعه، کارآفرینی و کشاورزی در توسعه روستایی.

کارآفرینی روستایی: کارآفرینی روستایی هیچ تفاوتی با مفهوم عام کارآفرینی ندارد، بلکه تنها در شیوه اجرای کارآفرینی روستایی با مناطق شهری اختلاف وجود دارد. شرایط خاص مناطق روستایی مانند بالا بودن ریسک، کمبود امکانات و ضعف مدیریت در این نواحی باعث می‌شود که زمینه‌های کارآفرینی در این نواحی متفاوت با سایر نواحی باشد (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷).

مناسب‌ترین تعریف کارآفرینی روستایی این‌گونه تشریح می‌گردد: «نیرویی که سایر منابع را برای پاسخ‌گویی به تقاضای بی‌پاسخ بازار بسیج می‌کند»، «توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ» و «فرایند خلق ارزش به‌وسیله امتزاج مجموعه واحدهای از منابع برای بهره‌گیری از یک فرصت». چنین تعریفی از کارآفرینی با هر نوع ساخت‌مندی عوامل تولید مرتبط بوده و مانع بروز فناوری‌های نوآورانه نمی‌گردد. این تعبیر از کارآفرینی می‌تواند به‌عنوان محرک اولیه در توسعه در نظر گرفته شود و دلیل فزونی نرخ رشد اقتصادی در ملت‌ها، مناطق و اجتماعات مشوق کارآفرینی را در قیاس با ملت‌ها، مناطق و اجتماعاتی که نهادها، سیاست‌ها و فرهنگشان تضعیف‌کننده کارآفرینی است بیان نماید (پترین، ۱۳۸۱). ریگان، کارآفرینی روستایی را فراهم‌کننده زمینه اشتغال، افزایش درآمد و تولید ثروت، بهبود دهنده کیفیت زندگی و کمک‌کننده به افراد محلی برای مشارکت در اقتصاد می‌داند (Reagan, 2002). از نظر ررتمن کارآفرینی روستایی عبارت است از: ایجاد سازمانی جدید که یک تولید یا خدمت جدید را معرفی یا بازار جدیدی را ایجاد می‌کند و یا از فناوری جدید در محیط روستایی استفاده می‌نماید (Heriot, 2002). در تعریفی دیگر، کارآفرینی روستایی فعالیتی است که به مردم روستایی کمک می‌کند تا فرصت‌های اقتصادی را در جوامع محلی بشناسند و یاد بگیرند که چگونه این فرصت‌ها را به فعالیت‌های اقتصادی سودآور تبدیل کنند (U.S. Department of Housing and Urban Development (HUD), 1999).

به این ترتیب، کارآفرینی در محیط مناطق روستایی گستردگی زیادی دارد و به دلیل تسلط بخش کشاورزی در اغلب مناطق روستایی، تأکید عمده مطالعه بر کارآفرینی کشاورزی است؛ زیرا توسعه کارآفرینی روستایی، قابلیت برای کمک به تنوع‌بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی روستاییان محسوب می‌شود و فرصت‌های مناسبی را برای کاهش خطر معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند. کارآفرینی روستایی، دارای عناصر پایه‌ای است که تمرکز عمده آن‌ها بر فراهم کردن زیرساخت‌های اساسی روستا (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) و خدماتی است که کاهش فقر و تسریع زمینه‌های رشد اقتصادی روستا را فراهم می‌سازد. بر این اساس،

کارآفرینی در بخش روستایی می‌تواند نظمی نو برای کار در مناطق روستایی ایجاد کند که از چندین جنبه اهمیت دارد: اول آن‌که معقولانه است، یعنی افراد و گروه‌های کاری در محیط روستا توانایی کنترل بیشتری بر کار خود خواهند داشت و برای استفاده از آن در جهت رفع نیازهای خود، از جمله نیاز به رشد و توسعه سالم فرصت‌های بیشتری به‌دست خواهند آورد. دوم آن‌که انسانی‌تر است، یعنی کار افراد و گروه‌ها نه تنها در زمینه اموری که با اهداف آنان بیگانه است مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه موجب استثمار و زیان دیگران نیز نخواهد شد. سوم آن‌که، با محیط‌زیست سازگارتر است، به این ترتیب کار محیط طبیعی و زیست انسانی هماهنگ خواهد بود و طبیعت را تخریب نخواهد کرد (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی‌قیداری، ۱۳۸۹).

رابطه کارآفرینی روستایی با توسعه روستایی: به نظر مایکل تودارو ضرورت تقدم و توجه به توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری به این علت است که راه حل نهایی مسئله بیکاری شهری و تراکم جمعیت، بهبود محیط روستایی است (پوررجب، ۱۳۸۹). روستاها با توجه به نقش مهمی که در نظام تولید و اشتغال کشور دارند و همچنین با عنایت به سکونت حجم قابل توجهی از جمعیت که در خود جای داده‌اند در نظام برنامه‌ریزی کشور از جایگاه مهمی برخوردارند و از اجزاء و عنصر توسعه ملی به‌شمار می‌روند (حیدری‌ساربان، ۱۳۹۱). امروزه، برنامه‌ریزان از جمله اقتصاددانان برنامه‌ریز روستایی به این نتیجه رسیده‌اند که تشویق روستاییان برای گرایش به کارهای تجاری به شیوه کارآفرینی مناسب‌ترین راهبرد برای پاسخ‌گویی به چالش‌های به‌ویژه اقتصادی در مناطق روستایی است. فلسفه بنیادی این نظریه بر این پایه استوار بود که چنین فعالیت‌هایی هم با ایجاد شغل، نوعی خوداشتغالی را در سطح جامعه محلی به‌وجود می‌آورد و هم از این رهگذر، روستاییان می‌توانند تولیدات خود را صادر (روانه بازار) کنند (Heriot and Campbell, 2002). در بین راهبردهای توسعه روستایی، راهبرد راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک در روستاها به‌عنوان یکی از راهبردهای مبتنی بر رویکرد اقتصادی، از عمده‌ترین روش‌های افزایش کیفیت زندگی به‌شمار می‌رود (امین‌آقایی، ۱۳۸۷). بسیاری از اقتصاددانان توسعه معتقدند که ضرورت بخش خوداشتغالی قوی در یک اقتصاد نقش مهمی را در فرایند توسعه همه‌جانبه ایفاء می‌کند، صرف‌نظر از این‌که یک منبع درآمد و اشتغال برای ساکنین روستا باشد (Mohapatra, et.al., 2007). کارآفرینی روستایی در حمایت از توسعه روستایی مهم است، چون موجب پیدا شدن فرصت‌های جدید برای نواحی روستایی؛ مصرف شهری/تولید روستایی؛ بازدهی و نوآوری و احساس فرصت‌های جدید و رشد تقاضاها می‌شود (Niskanen, 2007).

ورتمن در سال ۱۹۹۰، اشاره می‌کند که توسعه اقتصادی و کارآفرینی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. چنانچه در گزارش سالانه بخش مدیریت صنایع تجاری کوچک آمریکا نیز آمده است، دو سوم شغل‌های ایجاد شده در طول سال توسط کارآفرینان بوده است. بنابراین، توسعه روستایی و توسعه اقتصادی روستا ارتباط تنگاتنگی با کارآفرینی روستایی دارند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در جهت کاهش شکاف شهر روستا، ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی می‌باشد و ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه پایدار است.

در این میان، کشاورزی نیز از بخش‌های اساسی اقتصاد کشور و زمینه‌ساز رشد و توسعه به‌شمار می‌رود. رشد و توسعه بخش کشاورزی می‌تواند زمینه را برای رشد و توسعه سایر بخش‌ها، از جمله صنعت، خدمات، حمل و نقل و انرژی فراهم سازد. در واقع، تجربیات جهانی نشان می‌دهد که بدون رشد و توسعه کشاورزی، عوامل و نهاده‌های لازم برای فعالیت سایر بخش‌های اقتصادی فراهم نمی‌شود (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸).

بنابراین، فرصت‌های تقویت‌کننده کارآفرینی پایدار روستایی عبارت‌اند از (Maia, 2002):

- زیرساخت‌های مناسب، به‌ویژه در بخش کشاورزی؛
- بازاریابی محصولات تولیدی در روستا، مخصوصاً محصولات کشاورزی؛
- آموزش و افزایش آگاهی.

توسعه کارآفرینی روستایی پتانسیلی برای کمک به تنوع‌بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی است که فرصت‌های مناسبی را برای کاهش مخاطره معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند. کارآفرینی روستایی می‌تواند یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی باشد (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸).

کارآفرینی کشاورزی: کارآفرینی در کشاورزی به عواملی مانند شرایط منطقه، خصوصیات مزرعه و مقدار محصول بستگی دارد. شکاف وسیع‌تر میان مناطق روستایی و شهری در کشورهای در حال توسعه و چیرگی صنعت بر کشاورزی و گرایش استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه به سمت صنعت، همراه با ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی جامعه روستایی و کشاورزی باعث شده است تا کارآفرینی

کشاورزی کمتر رشد داشته باشد. در کشورهای در حال توسعه کشاورز ضعیف‌ترین مأمور تولید در کشور است، او فاقد توانمندی‌های حرفه‌ای و حمایت‌های لازم از طرف دولت و سازمان‌های محلی و ملی است تا در نقش یک کارآفرین پویا عمل کند. با وجودی که زمین یک منبع غنی در این کشورها بوده و دارای پتانسیل‌های مناسبی جهت کارآفرینی می‌باشد، اما هنوز هم کشاورزان فقیر و ضعیف هستند. از میان برداشتن موانعی چون واسطه‌ها، عدم درک متقابل کشاورزان و مروجان، گرانی نهاده‌های تولید و اعمال سیاست‌های حمایتی مانند اعطای تسهیلات کم‌بهره و بلندمدت، بیمه محصولات کشاورزی، آموزش کشاورزان، حمایت از طرح‌های خلاقانه و مفید و دیگر راه‌کارهای سودمند در زمینه بالا بردن سطح رفاه کشاورزان، می‌تواند این کارآفرینان بالقوه را در توسعه کارآفرینی یاری نماید و جذب نیروهای مستعد به سمت فعالیت‌های کشاورزی را سرعت بخشد (ربیعی منفرد و همکاران، ۱۳۸۹)

به عقیده بروس جی وایتینگ افراد کار آفرین دارای ۱۹ ویژگی هستند که آن‌ها را از نظرات شخصیتی از افراد عادی یا سایر افراد جامعه مجزا می‌کند: اعتماد به نفس، خلاقیت، خوش‌بینی، توانا در برخورد با مردم، انرژی زیاد، ابتکار، ادراکی بودن، دور اندیشی، پشتکار، انعطاف‌پذیری، دارای منافع کافی، رهبری پویا، اتخاذ ریسک حساب شده، نیاز به موفقیت، دارای مهارت‌های متعدد، مسئول و پاسخگو، واکنش مثبت در مقابل چالش‌ها، استقلال و سوداگری. یک کارآفرین بخش کشاورزی برای این‌که بتواند نقش مؤثرتری در توسعه کشاورزی ایفا کند و در این راستا به حداکثر سود نیز دست یابد، می‌بایست خصوصیات ذیل را داشته باشد:

۱. جلوگیری از اتلاف منابع (مدیریت بهره‌وری)
 ۲. تولید کالای باکیفیت (مدیریت کیفیت)
 ۳. تولید در مدت زمان کمتر (مدیریت زمان)
 ۴. برخورد بهتر و سریع‌تر با موانع و محدودیت‌ها (مدیریت راهبردی)
 ۵. کشف و بهره‌برداری از منابع جدید (خلاقیت و نوآوری)
 ۶. داشتن قوه پیش‌بینی و در صورت لزوم سرمایه‌گذاری بیشتر (آینده‌نگری و برنامه‌ریزی)
 ۷. بهره‌برداری صحیح از منابع (مدیریت بهره‌وری). (ربیعی منفرد و همکاران، ۱۳۸۹)
- کشورهای مختلف سیاست‌های مختلفی را برای ایجاد و بهبود مهارت‌های کارآفرینی در بین کشاورزان و کارآفرینان بخش کشاورزی اعمال می‌کنند. وجود این مهارت‌ها کارآفرین را در ارزیابی

عملکرد و شناخت نقاط ضعف و قوت، همچنین ارائه راه کارهای سازنده و تصمیم‌گیری‌های مؤثر یاری می‌نماید. اتحادیه اروپا از پروژه توسعه مهارت کارآفرینی کشاورزان حمایت مالی می‌کند. هدف اصلی این پروژه تشویق کشاورزان کشورهای اروپایی به تداوم فعالیت و تطبیق دادن خود با تغییرات محیطی و آب و هوایی و توسعه بخش کشاورزی اروپا می‌باشد. این پروژه توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی ۶ کشور اروپایی (انگلستان، فنلاند، ایتالیا، هلند، لهستان و سوئیس) و براساس منافع مشترک کشورها ارائه شده است. هدف اصلی از انجام این پروژه بررسی روند پر سرعت تغییرات جهانی بر کشاورزی اروپا بیان شده است. نتایج به‌دست آمده بیانگر این حقیقت بود که توسعه مهارت‌های کارآفرینی در کشاورزان می‌تواند این تهدیدها را به فرصت‌هایی برای پیشرفت و توسعه تبدیل نماید. کشور هندوستان نیز یکی دیگر از کشورهای است که توانسته با توسعه کارآفرینی در کشاورزی، به رشد اقتصادی قابل توجهی دست پیدا کند به طوری که طبق آمار وزارت بازرگانی این کشور تولیدات کشاورزی ۲۲ درصد از تولید ناخالص این کشور را شامل می‌شود که عمدتاً از صادرات نهاده‌های کشاورزی به‌ویژه کود، آفت‌کش‌ها، ادوات کشاورزی و سایر نهاده‌ها حاصل می‌گردد. همچنین این کشور توانسته با توسعه جنبه‌های مختلف کشاورزی مانند باغبانی (تولید سبزیجات، میوه‌ها و گل)، زراعت (ادویه‌جات، گیاهان دارویی و معطر)، شیلات، دامپروری و پرورش کرم ابریشم زمینه اشتغال و کسب درآمد برای ۷۰-۶۵ درصد از جمعیت این کشور را فراهم کند. در حال حاضر کشور هندوستان رتبه دوم صادرات گل، میوه و سبزیجات و ابریشم خام در جهان و اولین صادر کننده ادویه‌جات، ترشی‌جات و چای و قهوه در جهان محسوب می‌گردد. از دیگر کشورهای پیشرو در توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی، ایالات متحده می‌باشد که با تکیه بر گسترش مهارت‌های کارآفرینی در جوامع روستایی، خصوصاً مناطق خسارت دیده بر اثر بلایای طبیعی، با بهره‌گیری از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش کشاورزی، توانسته راهکارهای مناسبی پیش‌پای کشاورزان، مزرعه‌داران و کارآفرینان قرار دهد (ربیعی منفرد و همکاران، ۱۳۸۹). در همین راستا، مرکز کارآفرینی روستایی^۱ در آمریکا پنج برنامه و سیاست را به‌منظور توسعه کارآفرینی کشاورزی در کشورهای جدید اجرایی دانسته است (Wallace, 2003):

1- Center for Rural Entrepreneurship

- تمرکز بر تولیدات کشاورزی جدید از طریق کارآفرینی؛
 - در نظر گرفتن دارایی‌ها و ایجاد مدل‌های کاملاً جدید و رقابتی در کشاورزی؛
 - ایجاد سازمان‌های حمایت‌کننده از کارآفرینان کشاورزی؛
 - سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی در توسعه کارآفرینی؛
 - فاصله‌گیری از مدل‌های کهنه کشاورزی جاری (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی‌قیداری، ۱۳۸۹).
- از جمله سیاست‌ها و راهکارهای مهمی که می‌توانند در فرایند کارآفرینی کشاورزی، شکل مؤثری داشته باشند و منجر به توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی شوند، عبارت‌اند از: ۱- توسعه زیرساخت‌های اجتماعی؛ ۲- انجام توأم تحقیق و توسعه؛ ۳- افزایش کیفیت نیروی انسانی؛ ۴- افزایش کیفیت مدیریت؛ ۵- توسعه آموزش (با تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و آموزش مهارت‌ها)؛ و ۶- توسعه فناوری (احمدپور دارایانی، ۱۳۸۰). باید گفت که خلق کسب و کارهای جدید در قلمرو کشاورزی و روستایی به واسطه محیط (اکولوژی) مناسبی از قبیل کمک‌های مالیاتی، اعطای زمین، تسهیلات بانکی و غیره امکان‌پذیر است (Wortman, 1990).

مزایای کارآفرینی در بخش کشاورزی

سازگاری توسعه اشتغال با پراکندگی توزیع جمعیت روستایی: بخش کشاورزی بر خلاف صنعت، که کانون‌های جمعیتی انبوه و متراکم نیاز دارد، قابلیت کم‌نظیری برای تطابق با پراکندگی جمعیت دارد. با توجه به این‌که هم اکنون فقط کمتر از نیمی از جمعیت فعال بالای ۱۰ سال روستا در این بخش مشغولند و از طرفی خیل عظیمی از فارغ‌التحصیلان بخش کشاورزی از ساکنان شهری می‌باشند. پرداختن به کارآفرینی کشاورزی می‌تواند ضمن بهره‌مندی از منابع طبیعی و ظرفیت‌های بخش کشاورزی در ایران و به‌کارگیری و تلفیق نیروهای جوان تحصیل کرده شهری با نیروهای بی‌سواد روستایی سرانجام قابل توجهی به‌همراه داشته باشد.

اقتصادی‌تر بودن ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی نسبت به صنعت: متوسط هزینه ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی به نحو چشمگیری کمتر از بخش صنعت است. در نتیجه با یک مقدار معین سرمایه در بخش کشاورزی، تعداد بیشتری شغل‌های کشاورزی در مقایسه با شغل‌های صنعتی می‌توان ایجاد کرد. همچنین کارآفرینی و ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی به سرمایه‌گذاری ارزی کمتری نسبت به صنعت نیاز

دارد. به طوری که مقایسه دو بخش کشاورزی و صنعت نشان می‌دهد که وابستگی صنعت به مواد واسطه‌ای وارداتی بیش از ۵ برابر وابستگی بخش کشاورزی به این مواد است.

سهولت بیشتر ادغام بخش کشاورزی در بازارهای جهانی: بخش کشاورزی از مزیت‌های نسبی صادراتی بیشتری نسبت به صنعت برخوردار است و همین مزیت، توسعه اشتغال در این بخش را در شرایط کنونی مناسب‌تر و عملیاتی‌تر می‌سازد.

قابلیت ارتقای کیفی نظام تولید کشاورزی در سطح امکانات موجود: بخش مهمی از فعالیت‌های تولیدی کشاورزی به روش‌های سنتی و گاه حتی باستانی صورت می‌گیرد.

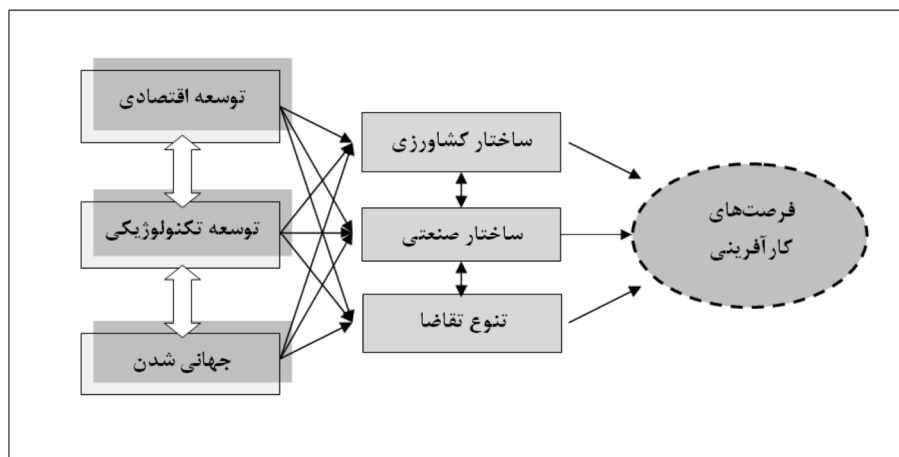
نیاز به نسبت کمتر شاغلان کشاورزی به آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی: وجود دانش بومی کارآمد در بخش کشاورزی و قابلیت انتقال تجربی بسیاری از مهارت‌های تولیدی و حرفه‌ای در بخش کشاورزی برای بخش اعظم نیروی شاغل در این بخش، نیروی کار این بخش را از گذراندن دوره‌های آموزشی سرمایه‌بر و وقت‌گیر بی‌نیاز کرده و امتیاز چشمگیری را برای کارآفرینان این بخش از حیث استخدام کارگران و کارکنان با دستمزد نسبتاً کمتر فراهم ساخته است.

نگهداری جمعیت روستایی در روستاها: محل استقرار و فعالیت عمده شاغلان کشاورزی، مناطق روستایی است. بنابراین توسعه اشتغال کشاورزی می‌تواند از روند شدید مهاجرت روستاییان به شهرها بکاهد که این فرایند به نوبه خود هزینه‌های هنگفت تأمین خدمات شهری را که یکی از موانع جدی هدایت منابع مالی به سوی فعالیت تولیدی است، کاهش دهد.

قابلیت تکاثری کارآفرینی در بخش کشاورزی: در صورتی که بخش کشاورزی از سرمایه‌گذاری مطلوب و بیشتری برخوردار شود و فعالیت‌های کارآفرینی مبتنی بر کشاورزی پیشرفته و مکانیزه آن‌چنان که بایسته و امکان‌پذیر است در آن گسترش یابد، با توجه به نیاز این بخش به فعالیت‌های صنعتی و خدماتی پسین و پیشین وابسته به این فعالیت‌ها، رشته‌ای طولانی و مفید از مجموعه این قبیل فعالیت‌های وابسته نیز پدید می‌آید (عبودی، ۱۳۹۰).

بنابراین، استعدادهای کارآفرینی فراوانی در میان کشاورزان وجود دارد؛ هدف باید شناسایی این فرصت‌ها و یک نوع تغییر نگرش از تجارت به افراد محلی باشد؛ چون در مناطق روستایی، که از منابع غنی انسانی و طبیعی برخوردارند، لازم است در این زمینه سرمایه‌گذاری‌هایی به منظور شکوفا کردن

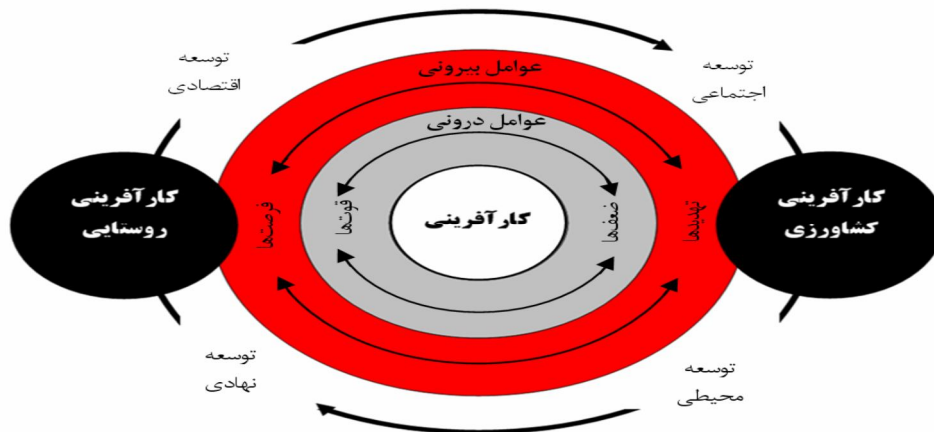
استعدادها انجام شود. با این نگرش بود که در گذشته از دیدگاه «فرانسوا کنه و نیکلاس بودو»^۱ زمین یگانه سرچشمه ثروت به شمار می‌رفت (هزارجریبی، ۱۳۸۴) و بر این اساس، کشاورزی نیز به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأمین معاش فقرای روستایی محسوب می‌شد که نقش مهمی در تولید و اشتغال مولد داشت. بنابراین، در شرایط فعلی اقتصادی ایران که بیکاری، نبود تحرک اقتصادی و محدودیت سرمایه‌گذاری دولت از مشخصه‌های آن است، توجه به کشاورزی اهمیتی دوچندان دارد. در نتیجه، کارآفرینان کشاورزی با شناخت صحیح فرصت‌ها و استفاده از سرمایه‌های راکد امکاناتی را فراهم و با سازماندهی و مدیریت منابع، فکر خود را عملی می‌کنند؛ به گونه‌ای که نه تنها خود بیکار نمی‌مانند، بلکه بدون اتکا به دولت و در بخش غیردولتی برای تعداد دیگری نیز ایجاد اشتغال می‌کنند. کارآفرینان بخش کشاورزی با بهره‌گیری از نیرویی که در خود برای حل خلاقانه مسئله، خطرپذیری، تحمل ابهام و غیره سراغ دارند، نه تنها قادرند به زیرکی و ظرافت و با سرعت بیشتر تهدیدات و تنگنایهای محیطی را تبدیل به فرصت کنند، بلکه در شرایط سخت و پیچیده، مانند توسعه سریع دانش فنی، جهانی شدن و اقتصاد چندملیتی، فرصت‌های جدید را کشف و از آن‌ها بهره‌برداری نمایند که در نتیجه به رفع تنگنایهای جامعه روستایی منجر می‌شود (شکل ۳). (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی‌قیداری، ۱۳۸۹).



شکل ۳- عوامل تعیین‌کننده کارآفرینی در بخش کشاورزی (اقتباس از Verheul et al., 2001).

1- Francois Quesnay and Nicolas Baudeau

به طور کلی، کارآفرینی کشاورزی، شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های کشاورزی با یک روش‌شناسی و سیاست‌گزینی خاص و جدید برای ایجاد تحول و دگرگونی در کشاورزی است. همچنین کارآفرینی کشاورزی به دنبال ارائه تفکر، روش و تدبیری نو برای حل مشکلات گذشته و کنونی کشاورزی می‌باشد که حاصل همکاری بین عوامل درونی و کشاورزی (فعالان بخش کشاورزی) و بیرونی (برنامه‌ریزان، مدیران و مسئولان) با در نظر گرفتن شرایط و تحولات جهانی، دانش فنی نو، فرهنگ روستایی و محدودیت‌های زیست‌محیطی است که برای دستیابی به الگوهای نو در کشاورزی، بالا بردن بهره‌وری و کارایی و دستیابی به بازارهای نو در مقیاس‌های بزرگ‌تر، در کل، به بهبود وضع اقتصادی روستاییان و به خصوص کشاورزان در کنار سایر ابعاد منجر می‌شود. بنابراین کارآفرینی کشاورزی شیوه جدیدی در بخش کشاورزی برای افزایش درآمد و ثروت، ایجاد اشتغال و غیره است. بر این اساس، یک هم‌پوشانی و ارتباط ارگانیکی بین کارآفرینی کشاورزی و روستایی برقرار است که با توجه به الگوی برنامه‌ریزی راهبردی و در نظر گرفتن هم‌زمان عوامل درونی و بیرونی (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) می‌توان به توسعه یکپارچه‌ای در چهارچوب اصول توسعه پایدار دست یافت (شکل ۴). (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی‌قیداری، ۱۳۸۹).



شکل ۴- مدل پویای عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی روستایی و کشاورزی در برنامه‌ریزی راهبردی (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی‌قیداری، ۱۳۸۹).

اهمیت کارآفرینی در بخش کشاورزی: سیاست‌گزاران، برنامه‌ریزان و متخصصان بخش کشاورزی معتقد هستند که به‌خاطر مشکلات و تحولات، یک دگرگونی ساختاری در شیوه‌های کنونی تولید کشاورزی لازم بوده و کشاورزی مبتنی بر بازار در چارچوب توسعه پایدار، راهبرد اساسی توسعه کشاورزی خواهد بود. در این نوع کشاورزی، کشاورز باید به نحوی تولید کند که بتواند تولیدات خود را در بازار رقابتی که مبتنی بر خواسته‌های مشتری است، به فروش برساند. به‌این منظور کشاورز باید فرصت‌شناس بوده و نیازهای مشتری را به درستی شناسایی نماید و سپس راهبرد لازم در جهت برآوردن این نیازها را طراحی و اجرا نماید. به‌عبارت دیگر، کشاورز امروز باید یک کارآفرین باشد. تغییرات صورت گرفته در بازار (جهانی شدن، رشد جمعیت، دگرگونی در بازارکار کشاورزی، امنیت غذایی، رقابتی شدن بازار)، سیاست‌های کشاورزی (حرکت به‌سوی کشاورزی تجاری مبتنی بر بازار) و خود جامعه (افزایش بیکاری و کم‌کاری، مباحث زیست‌محیطی، تنوع زیستی، منابع طبیعی) از عواملی هستند که ضرورت کارآفرینی در کشاورزی را بیش از پیش نمایان می‌سازد (Marsden and Smith, 2005). به همان اندازه که جوامع روستایی دستخوش تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - جغرافیایی می‌گردند و صنعت کشاورزی فناورانه‌تر می‌شود، نقش کارآفرینی کشاورزی در شکل‌دهی دوباره روستاها پررنگ‌تر می‌گردد (Parcell and Sykuta, 2003). اهمیت کارآفرینی در کشاورزی از لحاظ جنبه‌های زیر قابل توجه می‌باشد:

- متنوع‌سازی فعالیت‌های کشاورزی با در نظر گرفتن ویژگی‌های کشاورزی - اقلیمی و اقتصادی - اجتماعی مناطق موردنظر؛
- افزودن ارزش به محصولات کشاورزی و در نتیجه افزایش صادرات محصولات زراعی و غذایی به خارج از جامعه محلی و خارج از کشور؛
- کاهش ضایعات ناشی از فساد مواد غذایی؛ و
- ایجاد اشتغال و کمک به حل مشکل بیکاری در مناطق روستایی و بخش کشاورزی (سلجوقی، ۱۳۹۲).

زمینه‌های استفاده از کارآفرینی در نواحی روستایی و در بخش کشاورزی بسیار گسترده و متنوع است. در واقع این نواحی، محیط بکری برای بروز کارآفرینی محسوب می‌گردند. فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی از جمله زراعت، باغداری، گلخانه، پرورش انواع دام و طیور، زنبور عسل و فعالیت‌های جنگل‌داری، آبخیزداری، حفظ و توسعه محیط‌زیست، توسعه صنایع روستایی و صنایع

تبدیلی از جمله صنایع خانگی، دستی، کارگاهی و کارخانه‌ای، گردشگری روستایی و عشایری، فعالیت‌های مربوط به عشایر، مسکن روستایی، مکانیزاسیون در کشاورزی، اصلاح روش‌های آبیاری و توسعه روش‌های نوین آن، ماشین‌آلات کشاورزی، اجرای طرح‌های هادی و بهسازی محیط روستاها و... مهم‌ترین زمینه‌های بروز کارآفرینی در بخش کشاورزی و نواحی روستایی است. در واقع کلیه اقداماتی که می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به ایجاد اشتغال و درآمد و بهره‌برداری مطلوب و پایدار به نیازهای جامعه روستایی و بخش کشاورزی توجه نموده و به بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی و مناطق کشاورزی یاری رساند در قلمرو کارآفرینی بخش کشاورزی و روستایی قرار می‌گیرند (سلجوقی، ۱۳۹۲)

با این توصیف باید گفت اهمیت توجه به نقش کارآفرینی و توسعه کارآفرینی روستایی و کشاورزی می‌تواند برخی از ضعف‌های گذشته را پوشش داده به‌عنوان راهبردی جدید و نتیجه بخش، توسعه محصول و پر نمودن حلقه‌های مفقوده توسعه روستایی را امکان‌پذیر نماید. این موضوع البته و باید که به نحوی شایسته و برنامه‌ریزی شده با استفاده از آخرین یافته‌های علمی و برنامه‌ریزی صورت گیرد و تجارب گذشته را چراغ راه آینده قرار دهد (سلجوقی، ۱۳۹۲).

بحث و نتیجه‌گیری

افراد کارآفرین به‌عنوان عامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی در عصر مدرن شناخته شده و موجب بهره‌مندی مردم و کشور می‌شوند. بر این اساس «توسعه کارآفرینی کشاورزی» نیز مقوله مهمی است که کشورهای پیشرفته در فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی نسبت به آن توجه جدی مبذول داشته‌اند و آن را در اولویت برنامه‌های توسعه خود قرار داده‌اند. در حقیقت امروزه ترویج و توسعه کارآفرینی کشاورزی یکی از راه‌های اجرایی برای دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی تلقی می‌شود؛ بر این اساس توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی به‌عنوان هسته پایه‌ای و کلیدی در اقتصاد ملی، نیازمند داشتن برنامه راهبردی است. براساس تحلیل‌های نظریه‌ای، به کشاورزان موفق و کارآفرین در مناطق روستایی بایستی به‌عنوان سرمایه‌های انسانی عظیم نگریسته شود، زیرا آن‌ها به‌عنوان نیروهای خلاق و نوآور و متفکر در زمینه فعالیت‌های خود، می‌توانند تحولی در زندگی و حیات اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی انجام دهند و نفس تازه‌ای را در این لکه‌های حیات بدمند و روستاها را از حالت ایستایی (فقر، بیکاری، الگوهای معیشتی سنتی و تک ساختی و بدون تنوع) و حتی در برخی موارد سقوط (تخلیه شدن روستاها به‌دلیل مهاجرت) نجات دهند. پس متنوع‌سازی اقتصاد روستایی

تنها با القا از بیرون محقق نمی‌شود، مگر این‌که کارآفرینان محیط‌های روستایی، خود فرصت‌ها و منابع بالقوه و بالفعل را بشناسند و با استفاده بهینه از آن‌ها تنوع اشتغال و اقتصاد را برای محیط‌های روستایی به ارمغان بیاورند؛ زیرا یکی از مزیت‌های کارآفرینی، خوداشتغالی است. بنابراین، حمایت از کشاورزان موفق و تشویق سایر کشاورزان در مناطق روستایی می‌تواند گامی برای بازساخت در شیوه‌های فعالیت و زندگی کشاورزان و روستاییان به‌شمار آید و الگوهای زندگی و فعالیت کشاورزان را براساس ظرفیت‌های مکانی و انسانی و در نظر گرفتن تغییرات زندگی در سایر سکونت‌گاه‌ها از جمله شهرها تحول بخشند و زمینه‌های شکوفایی دوباره بخش کشاورزی و محیط‌های روستایی را فراهم آورند. در این زمینه استفاده از تجربیات کشاورزان کارآفرین به‌عنوان افراد موفق در زمینه فعالیت و زندگی خود گامی مؤثر است. به‌همین جهت ایجاد مزیت‌های جدید اقتصادی، افزایش رفاه انسانی، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها و برقراری سازگاری بین فعالیت و فضای زندگی در نواحی روستایی از اهداف راهبردی توسعه روستایی است که می‌تواند از طریق کارآفرینی روستایی و کشاورزی دست‌یافتنی گردد.

پیشنهادات

- تقویت کارآفرینی در بخش کشاورزی بدون افزایش سود سرمایه‌گذاری در کشاورزی میسر نخواهد شد و افزایش سود نیز مستلزم اصلاح نظام قیمت‌گذاری و افزایش حمایت‌های قیمتی و اختصاص یارانه‌های تولید به کشاورزی است.
- تدوین سند توسعه اشتغال و کارآفرینی بخش کشاورزی
- شناسایی، معرفی و ساماندهی کارآفرینان بخش کشاورزی
- شناسایی و معرفی مشاغل جدید کشاورزی دنیا بالاخص مشاغل خدماتی
- افزایش زمینه‌های دسترسی متعادل همه کشاورزان به وام و خدمات بانکی؛
- تشکیل نهادهای مستقیم مرتبط با کارآفرینی کشاورزی منطقه؛
- کاهش تشریفات اداری با برقراری ارتباط میان سطوح مختلف توسعه کشاورزی منطقه؛
- همکاری بخش کشاورزی با سازمان‌های محلی (تعاونی‌ها و بنگاه‌ها و ...) در منطقه؛ طراحی نظام نهادی مناسب و شرکت‌ها و NGOهای کارآفرین در طرح‌های کشاورزی منطقه؛
- به‌کارگیری و توجه به الگوهای نقش موفق کشاورزان کارآفرین.
- تدوین برنامه‌های راهبردی در جهت به‌کارگیری تکنولوژی و شیوه‌های جدید تولید در کشاورزی.

منابع

۱. احمدپور داریانی، ا. ۱۳۸۰، کارآفرینی: تعاریف، نظریات و الگوها. تهران، نشر شرکت ۵۷.
۲. امین آقایی، م. ۱۳۸۷. بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۱(۴): ۱۴۶-۱۲۵.
۳. بهرامی، ع. ۱۳۸۳. فرآیند برنامه‌ریزی توسعه روستایی. مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران. صفحه ۱۶۰-۱۴۵.
۴. پترین، ت. ۱۳۸۱. کارآفرینی به منزله یک نیروی اقتصادی در توسعه روستایی. از دفتر منطقه‌ای فائو در اروپا. مترجم: حمیدرضا زرننگار. مجله جهاد، ۲۲(۲۵۳): ۶۸-۷۵.
۵. پوررجب، پ. ۱۳۸۹. آسیب‌شناسی کارآفرینی روستایی در ایران. ماهنامه دهیاری‌ها، ۶(۳۰): ۳۵-۲.
۶. حسینی، س.م.، سلیمان‌پور، م. ۱۳۸۵. بررسی اثرات تقویت روحیه کارآفرینی در روند توسعه کشاورزی. ماهنامه جهاد، ۲۶(۲۷۳): ۲۶۵-۲۵۰.
۷. حیدری‌ساریان، وکیل، ۱۳۹۱. عوامل مؤثر بر تقویت کارآفرینی کشاورزان در مناطق روستایی. فصلنامه جغرافیا، ۱۰(۳۵): ۲۷۸-۲۶۴.
۸. دانایی‌فرد، ح.، آذر، ع.، دیده‌ور، ف. ۱۳۸۹. تدوین الگوی نهادی کردن کارآفرینی در بخش کشاورزی زیربخش گلخانه‌داری. توسعه کارآفرینی، ۳(۱۰): ۲۷-۷.
۹. ربیعی‌منفرد، ه.، عبداللهی، س.، حکمت، م.، عمانی، ا.ر.، نوراله نوری‌وندی. آ. ۱۳۸۹. به‌کارگیری کارآفرینی در بخش کشاورزی با رویکرد به کشورهای در حال توسعه. همایش کارآفرینی در ایران ۱۴۰۴.
۱۰. رضوانی، م.ر.، نجارزاده، م. ۱۳۸۷. بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی. مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی (شهرستان اصفهان). توسعه کارآفرینی، ۱۱(۲): ۱۸۲-۱۶۱.
۱۱. رکن‌الدین افتخاری، ع.، سجاسی‌قیداری، ح.، رضوی، ح. ۱۳۸۹. راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان خداآبند. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳(۳): ۲۹-۱.

۱۲. رکن‌الدین افتخاری، ع.، پورطاهری. م.، سجاسی‌قیداری. ح. ۱۳۸۹. سنجش و ارزیابی معیارهای مؤثر بر عملکرد کشاورزان عادی و موفق روستایی (مطالعه موردی، روستاهای شهرستان خدابنده). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۲(۷۲): ۱۶-۱.
۱۳. رکن‌الدین افتخاری، ع.، سجاسی‌قیداری. ح. ۱۳۸۹. توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی (تعاریف، دیدگاه‌ها و تجربیات). تهران، انتشارات سمت.
۱۴. رکن‌الدین افتخاری، ع.، طاهرخانی، م.، سجاسی‌قیداری، ح. ۱۳۸۸. تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان خدابنده. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲(۳): ۷۲-۴۳.
۱۵. سجاسی‌قیداری، ح.، پالوج، م.، رکن‌الدین افتخاری، ع.، صادقلو، ط. ۱۳۹۰. ارائه راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی با استفاده از روش‌های تحلیل چند متغیره SWOT و MCDM. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۹(۷۴): ۱۸۰-۱۴۹.
۱۶. سلجوقی، خ. ۱۳۹۲. آشنایی با کارآفرینی در کشاورزی. سایت <http://karafarin24.com> قابل بازیابی به تاریخ ۶ دی (Dec 27, 2013)
۱۷. شکوئی، ح. ۱۳۸۴. اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا: فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی. جلد دوم. تهران، انتشارات گیتاشناسی.
۱۸. عبودی، م. ۱۳۹۰. نقش کارآفرینی در توسعه بخش کشاورزی. برگرفته از سایت روستانامه. قابل بازیابی در <http://roostaname.blogfa.com/9010.aspx>
۱۹. عبری، م. ۱۳۸۷. تحلیل مسایل و کاستی‌های پژوهش‌های نوین در جامعه‌شناسی توسعه روستایی ایران. روستا و توسعه، ۱۱(۱)، ۱-۳۳.
۲۰. گل‌محمدی، ف. ۱۳۸۳. انتقال تکنولوژی مناسب در روستا. نشریه جهاد. ۲۴(۲۶۲): ۱۰۱-۹۷.
- هزارجریبی، ج. ۱۳۸۴. کارآفرینی. تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.
21. Adelaja, S. 2007. Enabling Innovation in Michigan Agriculture; A Viable Agriculture Report. East Lansing: MSU Land Policy Institute.
22. Bantel, K., Jackson, S. 2000. Top management and innovations in banking: does the composition of the top team maked difference. Strategic management journal, 7: 107-110.
23. Chrisman, J.J., Chua, J.H., and Sharma, P. 2003. Current trends and future directions in family business management studies: Toward a theory of the family firm. Coleman White Paper Series, (4): 1-63.

24. Heriot, Kirk, C., Campbell, N.D. 2002. A new approach to rural entrepreneurship: a case study of two rural electric cooperatives. Available on: <http://usasbe.org/knowledge/proceedings/proceedingsDocs/USASBE2.005PROCEEDINGS-hERIOR%2030.pdf>.
25. Heritot, K. 2002. A New Approach to Rural Entrepreneurship a Case Study of Two Rural Electric Cooperatives. Western Kentucky University, and Noel D. Campbell, North Georgia College and State University.
26. Kader, A. 2007. Success factors for small rural entrepreneurs under the one-district-one industry programme in Malaysia. Faculty of Economics and Administration, University of Malaya.
27. Laukkanen, M. 2003. Exploring academic entrepreneurship: drivers and tensions of university-based business. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 10(4): 372-382.
28. Maia, L. 2002. Enhancing Entrepreneurship in Rural Tourism for Sustainable Regional Development: The Case of Söderslätt Region Sweden. The International Institute for Industrial Environmental Economics (IIIEE), International Miljö Institute.
29. Marsden, T., Smith, E. 2005. Ecological entrepreneurship: sustainable development in local communities through quality food production and local branding. *Geoforum*, 36(4): 440-451
30. Mohapatra, S., Rozelle, S., Goodhue, R. 2007. The rise of self-employment in rural china: development or distree? *World Development*, 35(1): 163-181.
31. Molenhuis, J. 1996. Agri-Entrepreneurship: Opportunities in Nova Scotia. Nova Scotia Department of Agriculture and Marketing; Department Newsletter, 6(8).
32. Niskanen, A. 2007. Forest-base entrepreneurship and rural development in Europe. IUFRO European congress 2007: Forestry in the context of rural development, Warsaw.
33. Reagan, B. 2002. Are High-Growth Entrepreneurs Building the Rural Economy? Kansas City: Federal Reserve Bank of Kansas City.
34. Rural Development, 2007. Sustainable agriculture agenda for the farm bill. www.Sustainableagriculturecoalition.org.
35. Singh, K., Krishna, K.V.S.M. 1994. Agricultural Entrepreneurship: The Concept and Evidence. *Journal of Entrepreneurship*, New Delhi, Thousand, Oaks, London. 40. Vaidvay, O.S.
36. U.S department of Housing and Urban Development (HUD). 1999. Creating Employment and Entrepreneurship Opportunities for Youth. Neighborhood Networks Information center, [Online] Available at: www.NeighborhoodNetworks.org.
37. Verheul, I. 2001. An eclectic theory of entrepreneurship. Tinbergen Institute Discussion Paper. Indianapolis: Institute for Development Strategies, Indiana University.

38. Wallace, H. 2003. Agriculture as a Tool for Rural Development. Workshop Proceedings, Workshop Held in Collaboration with the National Rural Development, Center for Agricultural and Environmental Policy Partnership on August 24, 2002, in French Lick, Indiana.
39. Wortman, M.S. 1990. A unified approach for developing rural entrepreneurship in the U.S. *Agribusiness*, 6: 221-236.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 1 (1), 2014
<http://jead.gau.ac.ir>

The role of Agricultural Entrepreneurship in Rural Development

***P. Kolagar¹ and M. Aqaei²**

¹M.Sc. Graduated, Dept. of Rural Development, Gorgan University of
Agricultural Sciences and Natural Resources, ²Master of Head Office
Technical and Vocational Golestan Province

Received: 14/1/2014 ; Accepted: 2/5/2014

Abstract

As the smallest part of social unit, the villages have a special importance in any society. Undoubtedly, the effort to reduce problems and difficulties of these social units and their appropriate establishment in development cycle needs a special attention. Nowadays considering entrepreneurship spirit among villagers especially farmers is regarded the most important solution of rural development. Although, entrepreneurship is not the only solution of employment and increasing the income of villagers, but it is the best and most efficient kind of that. Although, agricultural entrepreneurship can be an income and employment resource for villagers, it influences rural economic development and finally rural development. This research is a descriptive and library study, and deals with the role of agricultural entrepreneurship in rural development. Explanation and description of this qualitative study shows that diversification of rural economy can't be obtained by outside induction, unless rural environment entrepreneurs identify potential and actual resources and opportunities themselves, and bring diversity of employment and economy to rural environments with optimal use of that; thus creating new economic advantages, increasing human welfare, preventing of villagers' emigration to cities and establishing compatibility between activity and living space in rural areas are strategic goals of rural development which can be achievable through agricultural and rural entrepreneurship.

Keywords: Agricultural Entrepreneurship, Rural Entrepreneurship, Rural Development, Agricultural Development

*Corresponding author: peymankr@yahoo.com

